



زینب و آئینه و خورشید

(مجموعه داستان‌های امیرحسین (ع) از تولد تا شهادت)

نویسنده: زینب دولتخواهی



سرشناسه	:	دولتخواهی، زینب، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور	:	نیزه و آینه و خورشید (مجموعه داستان‌های امام حسین (ع) از تولد تا شهادت)/نویسنده زینب دولتخواهی.
مشخصات نشر	:	دامغان: مهر حنظله، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	:	۲۳۶ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۷۳۶۴-۰۹-۸
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	:	حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق -- داستان
موضوع	:	Hosayn ibn Ali, Imam III, ۶۲۵ -- Fiction ۶۸۰ -- واقعۀ کربلا، ۶۱ ق -- داستان
موضوع	:	Karbala, Battle of, Karbala, Iraq, ۶۸۰ -- Fiction ۶۸۰
رده بندی کنگره	:	BP۴۱/۷۶
رده بندی دیوبند	:	۲۹۷/۹۵۲۳
شماره	:	۷۳۰۹۰۵۰
کتابشناسی ملی	:	

نیزه و آینه و خورشید

نویسنده: زینب دولتخواهی

صفحه آرا: علی کلانی

ناشر: انتشارات مهر حنظله

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۶۴-۰۹-۸

نوبت چاپ: چاپ اول - تابستان ۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان

آدرس: دامغان، انتشارات مهر حنظله تلفن: ۰۹۱۱۷۷۱۰۷۴۴ - ۰۹۹۰۱۸۸۷۳۰

فهرست

۱۳	مقدمه
۲۳	خداوند! حسین را دوست دارم
۲۴	نامش را حسن بگذار
۲۵	من آزاد کرده حسینم
۲۶	یدر سادات
۲۷	بوی سیب
۲۸	خبر شهادت حسین
۲۹	میراث پیغمبر
۳۰	والکاظمین الغیظ
۳۱	عتاب و ملامتی بر شما نیست
۳۲	خداوند بهتر میداند رسالت خود را در کجا قرار دهد
۳۳	علی، شهر هدایت است
۳۴	مگر دهان من بدبوست؟
۳۵	خداوند متکبران را دوست ندارد
۳۵	محبوب‌ترین انسان نزد اهل آسمان

- ۳۶..... روزی مانند روز تو نیست
- ۳۷..... خلافت بر فرزندان ابوسفیان حرام است
- ۴۰..... مهاجرت حسین از مدینه
- ۴۱..... از بیعت با یزید امتناع کن
- ۴۳..... وایت‌نامه تاریخی حسین (ع)
- ۴۴..... اگر تسلیم شوم، فرزند پیامبر خدا نیستم
- ۴۵..... دعوت مل‌کوه از حسین
- ۴۶..... اعزام مسلم به کوفه
- ۴۷..... سکوی پرواز
- ۴۹..... عبیدالله بن زیاد در کوفه
- ۵۱..... آیا میتوانی من را به سوی او راهنمایی کنی؟
- ۵۳..... هرگز مهمانم را به دشمنش تسلیم نمیکنم
- ۵۷..... بار دیگر شب کوفه را فرا گرفت ... و این بار مسمم تر ماند
- ۵۹..... به خدا قسم به حال خودم گریه نمیکنم
- ۶۴..... این روز را کفاره گناهانم قرار ده
- ۶۵..... از علی بیزاری بجوی
- ۶۶..... سخن او را درباره تو دروغ خواهم گردانید
- ۶۸..... یکی از این دو راه را انتخاب کن
- ۶۹..... نامه حسین به سران بصره

- ۷۲..... خداوند دوست دارد تو را کشته ببیند.
- ۷۴..... من برای یاری دین خدا از هر کسی شایسته‌ترم.
- ۷۵..... به تو رحم نخواهند کرد.
- ۷۶..... دوستی با او را غنیمت بشمارید.
- ۷۹..... خداوند تو را در جوار خود قرار دهد.
- ۸۳..... ما قیام با تو را به اقامت در دنیا ترجیح می‌دهیم.
- ۸۳..... ای کاش هزار بار کشته شوم.
- ۸۴..... ما را به مدینه بازگردان!
- ۸۶..... هم‌اینک به قصد حسین خارج می‌شوم.
- ۸۷..... به سوی او روید و او را یاری کنید.
- ۸۹..... هیچ تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خدا نیست.
- ۹۰..... چه کسی در خوشبختی به پای من می‌رسد؟
- ۹۱..... یک وجب جلوتر نرو.
- ۹۲..... اگر از جانت نسبت به ما بخل بورزی، به مالت نیز نیازی نداریم.
- ۹۵..... بروید و اینجا نمانید تا فریاد مرا نشنوید!
- ۹۵..... بشارت بهشت.
- ۱۰۱..... مرا از این کار معاف کن.
- ۱۰۲..... هیئات من الذَّکَّه «دور باد از ما ذلّت».
- ۱۰۴..... اماننامه.

- ۱۰۵..... خود را از این مهلکه نجات دهید
- ۱۰۶..... فرمان، فرمان توست
- ۱۰۸..... هل من ناصر ی نصرنی (آیا کسی هست که مرا یاری کند؟)
- ۱۰۹..... در دنیا و آخرت آزادهای
- ۱۱۱..... بلاوت آخرین صفحه از کتاب عشق
- ۱۱۲..... پیغام را پس نخواهم گرفت
- ۱۱۵..... چشم ز را روشن خواهم کرد
- ۱۱۷..... غلام رو سفید
- ۱۱۸..... خداوند تو را از نمازگزاران قرار دهد
- ۱۱۹..... او مانند جان من عزیز بود
- ۱۲۴..... نماز از شما قبول نخواهد شد
- ۱۲۶..... خداوند پاداش تلاش تو را دهد
- ۱۲۷..... اگر هفتاد بار کشته شوم، دست از تو برنخواهم داشت
- ۱۲۹..... قطره‌ای از آن نخواهم نوشید
- ۱۳۲..... درود بر قارب
- ۱۳۳..... اگر رفتنی بودیم به اینجا نمی آمدیم
- ۱۳۴..... آیا مردی نیست؟!
- ۱۳۶..... تیر او را به شانهای آشنا کن
- ۱۳۷..... آیا مانند او کسی را می شناسید؟

- ۱۳۷..... خداوند او را هدایت و تو را گمراه کرد
- ۱۳۹..... آخرین شهید از اصحاب
- ۱۴۰..... عمو جان به فریادم برس
- ۱۴۲..... الآن یستم شکست
- ۱۴۶..... اوّلین شهید از اهل بیت
- ۱۴۷..... بعد از تو خاک بر سر دنیا
- ۱۵۰..... اتمام حجت
- ۱۵۲..... اگر دین ندارید لایق آنجا نباشید
- ۱۶۰..... از شما نزد جدم شکایت میکنم
- ۱۶۰..... حسین بعد از شهادت
- ۱۶۲..... کیست که اسب بر بدن حسین براند؟
- ۱۶۳..... با ما چه خواهند کرد؟
- ۱۶۵..... آغاز اسارت
- ۱۶۷..... انگار مسلمان نیستند
- ۱۶۸..... اگر شما بر ما گریه میکنید، پس چه کسی ما را کشته است؟
- ۱۷۱..... صدقه بر ما حرام است
- ۱۷۳..... مثل خورشید
- ۱۷۴..... اینگونه از امانت رسول خدا محافظت کردی؟
- ۱۷۵..... ما رأیت الا جمیلاً (چیزی جز زیبایی ندیدم)

- ۱۷۷..... آرزوی شهادت
- ۱۷۸..... سرنوشت تو از اصحاب کهف نیز عجیتر است
- ۱۷۹..... مرا بیامرز، هر چند میدانم که نمی‌آمیزی!
- ۱۸۱..... خوش به حال کسی که حرمش را نگه دارد
- ۱۸۳..... رها را از بین اسرا نبردند
- ۱۸۴..... بین سر را از بین زنان خارج کن
- ۱۸۵..... آیا قرآن خواندنی است؟
- ۱۸۷..... شکست خورد
- ۱۸۷..... اگر مسلمان باشید در این راه و پدر و برادر من راه یافته‌اید
- ۱۸۹..... محمد جد من است یا تو؟
- ۱۹۰..... مژده بهشت
- ۱۹۲..... شب را چگونه صبح کردی؟
- ۱۹۳..... مرا با قتل حسین چه کار بود؟
- ۱۹۴..... وای بر تو!
- ۱۹۷..... آثار پشیمانی
- ۱۹۸..... اگر من جای او بودم
- ۲۰۰..... مصیبتی بمانند
- ۲۰۱..... اندوه بیابان
- ۲۰۲..... این از دوستی حسین علی به ما رسیده است

۲۰۳	 حال خداوند درباره تو قضاوت می کند.
۲۱۰	 داستان کشته شدن تعدادی از قاتلان اباعبدالله (ع)
۲۱۰	 آرزوی خوردن آب
۲۱۰	 داستانی دیگر
۲۱۱	 کشته شدن زید بن معاویه
۲۱۲	 کشته شدن بن زیاد
۲۱۷	 کشته شدن حرما
۲۱۷	 کشته شدن عمر بن سعد
۲۱۸	 سیاهی سپاه دشمنان حسین
۲۱۹	 پاداش آب نوشیدن به یاد حسین
۲۲۰	 خداوند بهشت را بر او واجب میکند
۲۲۰	 یا لبتنی كنت معهم «کاش با آنها بودم»
۲۲۲	 ثواب زیارت سید الشهداء (ع)
۲۲۴	 منابع

حسین (ع) را اهل آسمان بیشتر از اهل زمین می‌شناسند. وقتی گهواره‌اش را جبرئیل^۱ می‌جنباند و فطرس^۲ او را شفیع خود به درگاه الهی قرار می‌دهد و آمرزیده می‌شود. از زندان خاک آزاد می‌شود و پرواز می‌کند. شب‌های جمعه سیل ملائکه به بارگاهش نازل می‌شوند و سر بر آستان او می‌سایند تا از خاک او سافر سفر به سوی خدا شوند. نور حسین، چراغ هدایت و همراه شدن با او سوار شدن بر کشتی نجات است.^۳

او فرزند فاطمه است. فرزندان ام‌انها که خداوند، عالم را به واسطه او خلق کرد.^۴ او که خدا پنج تن الهی را با او جبرئیل با نسبتشان به فاطمه معرفی

^۱ از فرشتگان مقرب الهی است. (فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ۱۰۶) و حامل وحی بر پیامبران الهی است.

^۲ از فرشتگان الهی است که خداوند او را مأمور کاری می‌کند و او در آن کار کفایت کرده، خداوند به کیفر این کاهلی، بال‌هایش را می‌شکند و در جزیره‌ای در روی زمین اسیر می‌شود. بعد از تولد امام حسین (ع)، او بال‌هایش را به قن‌دق ایشان می‌کشد و شفا می‌یابد. (تاریخ کربلا، ج ۱، ۱۰۰، منتهی‌الامال: ۳۸۴ و ۳۸۵).

^۳ ان‌الحسین مصباح الهدی و مفتی‌النجات. عیون اخبار الرضا، ج ۱: ۵۹ تا ۶۴. این عبارت برگرفته از حدیثی است با این محتوا: (مقام) حسین بن علی در آسمان بالاتر از (مقام) او در زمین است. و در طرف راست عرش الهی درباره او چنین نوشته است: چراغ هدایت و کشتی نجات...
^۴ حدیث لولاک: خداوند خطاب به رسول خود می‌فرماید: اگر تو نبودی، افلاک را خلق نمی‌کردم و اگر علی نبود، تو را خلق نمی‌کردم و اگر فاطمه نبود، شما دو نفر را خلق نمی‌کردم. (رمزی

کرد و گفت: آنها فاطمه و پدر فاطمه، فاطمه و همسر فاطمه، فاطمه و پسران فاطمه هستند.^۱

پیامبر او را بر شانه‌هایش می‌نشانند. لب‌ها و گلویش را می‌بوسد و او را زینت آسمان‌ها و زمین^۲ و سید جوانان اهل بهشت می‌خواند^۳. او دوست درد دوستداران حسین را و دشمنی می‌کند با دشمنان او.

حسین (ع) را تنها آفریدگار حسین می‌شناسد. وقتی خون خدا^۴ است و در رگ‌های هر می جریان دارد و نور خدا است که هیچ‌گاه خاموش نشده و نخواهد شد. خداوند در قرآن در تأیید این روایت می‌فرماید: دشمنان خداوند می‌خواهند بوسه را با دهان‌هایشان خاموش کنند، ولی اراده خداوند در آن است که نورش را به انتشار کامل و جامع برساند، هر چند کافران دوست ندارند.^۵

کریلاً صحنه تقابل نور و ظلمت است. تقابل حق و باطل، اراده خدا و اراده شیطان. و چه زیبا خداوند در حسین (ع) اهل بیت و یارانش متجلی

^۱ فاطمه و ابیها و بعلها و بنیها. مفاتیح الجنان، حدیث کسا: ۱۰۲۰

^۲ «مرحباً یا ابا عبدالله یا زین السّمَاوَاتِ و الارضین» بحارالانوار، ج ۳۶: ۲۰۵.

^۳ بحارالانوار، ج ۳۷: ۳۹، حدیث ۱۰ و ج ۴۰: ۶۷، حدیث ۱۰۰.

^۴ مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا: ۷۵۰

^۵ «أَنَّكَ نَوْرَانِی الَّذِی لَمْ یَطْفَأْ وَ لَا یُطْفَأُ أَبَدًا» بحارالانوار، ج ۹۸: ۲۵۵.

^۶ سورة توبه: آیه ۳۲

شد و حقیقت، سیمایی ابدی یافت. که همانا خداوند بر کار خود غالب است.^۱

تنها در کلاس عشق حسین می‌توان راه صد ساله را در یک شب پیمود. چنانکه یاران او چنین کردند. ملائکه با دیدن یاران حسین مانند حرّ، وهب، زهیر و بگران در کربلا، فریاد زدند: ای کاش ما هم با تو بودیم و با تو به رستگار می‌رسیدیم.^۲

آیا می‌شود در اسلام زد و محبت پیغمبر اسلام و فرزندان او را در دل نداشت؟ آیا می‌شود رویه کعبه ایستاد و علی را ندید که از کعبه بیرون می‌آید؟ چه کسی می‌تواند ریسالت گلوی فاتح خیر بیندازد و او را در کوچه‌ها به سوی مسجد، خانه خدا بکشد؟ کدام دست می‌تواند به صورت فاطمه، دردانه رسول خدا سیلی بزند و در خانه‌اش را به آتش بکشد؟ چه کسی می‌تواند خنجر بر گلوی حسین بگذارد؟ کدام باقو...؟ کدام اسب...؟ کدام روز...؟ کدام روزگار...؟ کدام سرزمین...؟ کدام سوم؟

کلمات گویای حقیقت حسین (ع) نیستند و توسن^۳ اندیشه در درک آن لنگ می‌ماند. اما خوشا به حال قلمی که بر دریای معرفت حسین (ع) سنا برشود

^۱ سوره یوسف: آیه ۲۱

^۲ یا لیتنا کنا معک فنفوز معکم. مفاتیح الجنان، زیارت اول و ششم امام حسین. و همان: زیارت وارث.

^۳ چارپای سرکش. وحشی، رام ناشونده. (فرهنگ فارسی معین، ج ۱: ۱۱۶۶)

و خود را از قید مرداب واژه‌ها برهاند. خوشا به حال دفتری که قلبش از نام و یاد حسین لبریز شود و عشق حسین را در آغوش کشد.

همانطور که خورشید عامل حیات موجودات در روی زمین است، عشق حسین (ع) نیز حرارتی است که عامل حیات دین، مکتب، اصول و ارزش‌های والای انسانی و الهی است.^۱

اینکه هزار و اندی سال از شهادت مظلومی بگذرد و دوستانش چنان در سوگ و بگیید که گویی، امروز عزیزترین کسانی‌شان را از دست داده‌اند، انسان را به مثل نمی‌دارد. برای قتل حسین حرارتی در قلوب مؤمنین است که هرگز پاک نمی‌شود. این حرارت از جنس همان محبتی است که در جان ایمان آورندگان نسبت به پروردگارشان وجود دارد.^۲

مراسم عزاداری حسین (ع) که هر سال انکوهتر از گذشته برگزار می‌شود، باید یادآور حماسه خونین عاشورا باشد. حماسه‌ای که زیبایی ایثار، گذشت، فداکاری، شجاعت، ایمان و تقوا در سیمای آن به وضوح نمایان است. وقتی ۷۲ نفر به درخواست یاری امامشان لَبیک می‌گویند و در مقابل سپاهی چند هزار نفری می‌ایستند. وقتی مادری از پاره وجودش می‌کند و او را روانه میدان می‌کند و بعد از شهادت او با افتخار، سر بریده فرزند را نیز به سوی

^۱ رک. گنجی، ۱۳۸۷: ۳۰ تا ۳۲

^۲ همان برگرفته از مستدرک الوسائل، ج ۱۰: ۳۱۸

^۳ والدین آمنوا اشدّ حبّاً لّله. سورة بقره: ۱۶۴

سپاه دشمن پرتاب می‌کند؛^۱ وقتی غلام آزادشده حسین اذن میدان می‌گیرد تا خودش با خون یاران حسین درآمیزد و ارزش پیدا کند؛^۲ وقتی عروسی سلاح به دست همسرش می‌دهد و او را روانه میدان می‌کند، درحالی‌که می‌داند بازگشتی برای او نیست؛^۳ وقتی پسری که شبیه‌ترین فرد به پیامبر زمان خو است، در مقابل چشمان پدر تکه تکه می‌شود؛^۴ وقتی نوجوانی پا به میان می‌گذارد تا از دین عمویش که همانا دین رسول خداست، دفاع کند؛^۵ وقتی نوزاد ستر ماهی حسین بر روی دستان او به خون گردش خضاب می‌شود.^۶ بی‌سنان سقا و علمدار سپاه با لبی تشنه جدا می‌شود و

^۱ مادر وهب، فرزندش را به میدان می‌فرستد و «... بار سخنان او بعد از شهادت فرزند در تاریخ ثبت شده است. شرح این داستان‌ها با تفصیل در متن کتاب آمده است. مقتل مجلسی: ۹۷ و ۹۸. لهوف: ۱۳۱. منتهی الآمال: ۴۸۷ و ۴۸۸. شیدای حسین بن علی (ع): ۱۵۷ و ۱۵۸.

^۲ چون غلام امام حسین بود که در رکاب او با افتخار به شهادت رسید. مقتل مجلسی: ۱۰۱. ^۳ در تاریخ آمده است: همسر زهیر، او را به اجابت دعوت حسین (ع) تشویق کرد و از همسر وهب او را به سوی میدان جنگ بدرقه کرد. ^۴ علی اکبر، پسر امام حسین، شبیه‌ترین فرد به پیامبر اکرم (ص) بود. مقتل مجلسی: ۱۱۱ تا ۱۱۳. لهوف: ۱۳۹. منتهی الآمال: ۵۰۶ تا ۵۰۹.

^۵ این نوجوان، قاسم، فرزند امام حسن (ع) بود. مقتل مجلسی: ۱۰۶ و ۱۰۷. لهوف: ۱۴۱. منتهی الآمال: ۵۱۳ و ۵۱۴. نفس المهموم: ۲۷۴ تا ۲۷۶. ^۶ علی اصغر نام داشت. مقتل مجلسی: ۱۱۴. لهوف: ۱۲۳.

سپس به شهادت می‌رسد؛^۱ وقتی خواهری شاهد تمام این صحنه‌هاست و بدن بی‌سر برادرش را که امام و بازمانده بعد از رسول خداست، در قتلگاه از زیر نیزه شکسته‌ها بیرون می‌کشد؛ وقتی خواهری روایتگر تمام این حقایق می‌شود؛^۲ وقتی ...؛ نباید به عاشورا به چشم یک حادثه غم‌انگیز، به همراه اشک و آه نگاه کرد. عاشورا یک حماسه است. مانند سکه‌ای دارای دو روی کار متفاوت و متمایز از یکدیگر؛ که یک روی آن خیانت، بی‌وفایی، قداوت بر بی‌رحمی، ناجوانمردی و ستمگری، پلیدی و مهمان‌کشی است؛ و روی دیگر آن وفاداری، جوانمردی، جانبازی و شهادت، ستم‌ناپذیری، صبر و تسلیم در برابر قضا است.

امام حسین (ع) و یارانش در روز عاشورا جان خود را فدا کردند تا چهره زیبایی از اسلام باقی بماند. امام سید (ره) در این باره فرمود: «اسلام چنان عزیز است که فرزندان پیغمبر جان خودشان را فدای اسلام کردند. حضرت سیدالشهدا با آن جوان‌ها، با آن اصحاب بر آن اسیر جنگیدند و جان دادند و اسلام را احیا کردند».^۳

۱ ابوالفضل العباس، سقا و علمدار سپاه حسین است. مقتل مجلسی: ۱۰۹ تا ۱۱۱. منتهی‌الآمال: ۵۱۸ تا ۵۲۱.

۲ این خواهر، زینب کبری، خواهر امام حسین (ع) است که رد پای صبر، مهربانی، پایمردی و استقامت او در لحظه لحظه روزهای قیام عاشورا وجود دارد.

۳ صحیفه امام، ج ۸، ۱۵۱.